

توی همه شهر ها دادگاه نیست •

۲-

توی مرکز هر استان دادگاه هست. دادگاه تجدیدنظر استان هم هست

۳-

هر استانی چند شهرستان و چندین بخش داره. همه شهرستان ها دادگاه دارند ولی فقط بعضی از بخش ها دادگاه دارند

۴-

دادگاه های بخش کوچیکن و از یکی یا بیشتر قاضی تشکیل شده است

۵-

دادگاه های شهرستان بزرگن و از چندین قاضی و کارمند و ... تشکیل شده

۶-

پرونده ها به دو دسته حقوقی و کیفری تقسیم می شن

۷-

پرونده های کیفری در دادسرا رسیدگی می شود و دائم بین دادسرا و پاسگاه یا کلانتری رفت و آمد می کنه تا به مرحله ای برسه که بتونه بره دادگاه کیفری

۸-

پرونده های حقوقی اگه مبلغش کمتر از بیست میلیون تومان باشه مستقیما در شورای حل اختلاف رسیدگی می شه

۹-

پرونده های بالای بیست میلیون در دادگاه حقوقی رسیدگی می شود. قاضی حقوقی اظهارات طرفین پرونده را می نویسه اگه لازم باشه قرار کارشناسی صادر می کنه و در آخر رای می دهد

۱۰-

قاضی دادگاه غیر از اینکه قاضیه سمت های دیگه ای هم داره. مثلا رئیس شعبه اول حقوقی رئیس حوزه قضایی هم هست

۱۱-

استفاده می شه cms توی دادگاه از سیستم

۱۲-

این سیستم برای نظارت بر کلیه نامه ها تشکیل شده

۱۳-

وقتی پرونده وارد می شه قاضی دستور ثبت پرونده را از طریق سیستم می دهد. شما که کارمندید پرونده را شامل مشخصات طرفین و موضوع را وارد می کنید. بعد قاضی دستوراتی مثل صدور قرار رفع نقص، احضار شهود، وقت نظارت، تعیین تاریخ جلسه و خیلی دستورات دیگه را می دهد. دقت کنید که قاضی در اتاق خودش نشسته و کلیه دستورات را با سیستم می دهد. شما باید تمام دستورات را در همان روز رویت بزنید

۱۴-

کمک می‌کنه که کارها روی غلتک بیوفتن با یک کلیک معلوم لشه پرونده کجاست در cms سیستم چه مرحله ای است کی وارد یک شعبه شده و چند تا دستور روی پرونده خورده

۱۵-

آخر ماه باید آمار بدید یعنی مشخص بشه چند تا پرونده از اول ماه وارد شده و چند تا پرونده خارج شده. اگه ورودی و خروجی تون مساوی باشه که هیچ و الا نمره منفی می‌گیرید و اضافه کاریتون صفر می‌شه

• ۱۶-

هر شعبه چند متصدی دفتری و یک مدیر دفتر دارد. مدیر دفتر به کار متصدی‌ها نظارت می‌کنه و قاضی به کار همه شون

۱۷-

دادگاه‌های حقوقی یک کارمند اجرای احکام دارند که وظیفه اش اجرای حکمه. قانون اجرای احکام مدنی مطالعه شود

۱۸-

دادگاه‌های بخش دادرسی ندارند. پرونده مستقیماً می‌ره زیر دست قاضی کیفری و فقط به کارمند اجرا احکام کیفری دارند. حکم زندان و شلاق و بقیه احکام را می‌نویسه به زندان که اجرا کنن

۱۹-

دادگاههای شهرستان دادرسی دارند. دادستان رئیس دادرسی است و چند دادیار و بازپرس زیر نظرش کار می‌کنن

۲۰-

دادستان و دادیار و بازپرس همگی قاضی هستند

۲۱-

توی دادگاه قضات را حاج آقا صدا می‌کنن

۲۲-

هر دادیار یا بازپرس حداقل یک کارمند دارد (متصدی امور دفتری)

۲۳-

توی دادگاه قانون نمی‌نویسن بلکه قانون را اجرا می‌کنن

توی دادگاه قرار و حکم و دستور را کارمندا تایپ می‌کنن

قرارها شامل: قرار جلب به دادرسی، قرار جلب سیار، قرار توقیف اموال، قرار رفع نقص و صدها قرار دیگه

حکم هم شامل حکم محکومیت و برائت

دستور هم شامل دستور ثبت پرونده، دستور ابلاغ به طرفین، دستور رفع نقص، دستور تعیین وقت رسیدگی، دستور تعیین وقت نظارت، دستور توقیف وثیقه و غیره

۲۴-

رئیس قوه قضائیه بالاترین رتبه را در قوه قضائیه داره

۲۵-

اصل بر تفکیک قواست. یعنی سه قوه مجریه و قوه مقننه و قوه قضائیه داریم و وظیفه هر کدام را قانون اساسی تعیین کرده و قراره تو کار هم دخالت نکنن

• ۲۶-

هر حکمی که صادر می شه قابل تجدیدنظره

۲۷-

دادگاه تجدیدنظر استان توی مرکز استان مستقره. مثلاً دادگاه تجدیدنظر استان البرز توی کرجه

۲۸-

آرائی که در دادگاه بدوی صادر شده اکثراً قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان هستن. دادگاه بدوی همان دادگاه حقوقی یا کیفری شهرستان است. اگه شما در دادگاه بدوی کار کنید (بخوانید وظیفه دارید اعتراض را گرفته ضمیمه پرونده کنید از پرونده یک بدل تهیه کنید و اصل (badvi) پرونده به همراه اعتراض را به دادگاه تجدیدنظر ارسال کنید

۲۹-

دیوان عالی کشور در تهران است. قضات بعد از ۲۵ سال سابقه می تونن در شعبات دیوان مشغول به کار بشن. دیوان عالی کشور به اعتراضات خاص طبق قانون رسیدگی می کنه موارد اعتراض قابل رسیدگی در دیوان را در قانون آیین دادرسی مدنی می تونید پیدا کنید

۳۰-

افرادی که در تهران استخدام شدن شاید توی دیوان مشغول به کار بشن

۳۱-

ولی اکثر کارمندای تازه کار توی دادسرا و دادگاه بدوی مشغول به کار می شن

۳۲-

دادسرا به جرایم رسیدگی می کند. اکثر جرایم در قانون مجازات اسلامی ذکر شده است

۳۳-

بعضی از کارها تخلف اداری است. اگه کارمندی تخلف کنه در دادگاه رسیدگی به تخلفات اداری رسیدگی می شه ولی اگه جرم انجام بده توی دادسرا محل وقوع جرم به تخلفش رسیدگی می شود

۳۴-

اگه کارمندی تخلف انجام بده با توجه به درجه تخلف به

تذکر بدون درج در پرونده

تذکر با درج در پرونده

کسر حقوق از یک ماه تا چند ماه

انفصال از خدمت از یک ماه تا چند ماه

انفصال دائم از خدمت

انفصال دائم از کلیه خدمات دولتی

محکوم می شود

۳۵-

اگر کارمندی جرمی انجام بدهد در صورت اثبات جرم از خدمت در دستگاه های دولتی محروم می

شه. اخراجش می کنن و دیگه هیچ جا استخدام نمی شه.

۳۶-

قانون تخلفات اداری را بخونید تا بفهمید چه کارهایی تخلفه. ما دانشجویهای حقوق این قانون را کامل نمی خونیم فقط چند موردش را توی حقوق اداری می خونیم بالاخره هر کارمندی باید بدون چیه کاری تخلفه. منتظر نباشید یکی بهتون بگه این کار را بکن اون کار را نکن. بخونید. قانون بخونید. حتی اگه اگه نمی فهمیدش هم یکبار شده روزنامه وار بخونیدش

• ۳۶-

قاضی دادگاه (حقوقی یا کیفری) وقتی می خواد پرونده را ببندد حکم صادر می کنه. حکم درباره اون دعوا حرف آخر را می زنه. در ماهیت دعوا یعنی در مورد اصل موضوع تصمیم می گیره. قاطع دعواست یعنی پرونده از شعبه شما خارج می شه. حالا یا می ره اجرای احکام برای اجرای حکم. یا یکی از طرفین دعوا اعتراض می کنه می ره مرجع تجدیدنظر

۳۷-

تشخیص مرجع تجدیدنظر تخصصی است

یعنی شما باید یاد بگیرید بپرسید تا بعد چند مدت دقیقا متوجه بشید مرجع تجدیدنظر چه اعتراض هایی کجاست

مرجع تجدیدنظر آرا شورای حل اختلاف دادگاه (دادگاه حقوقی یا کیفری شهرستان یا بخش) مرجع تجدید نظر آرا دادگاه های حقوقی یا کیفری دادگاه تجدیدنظر استانه

مرجع تجدیدنظر دادسرا دادگاه کیفری است

۳۸-

قرار

یکی از تصمیماتی است که قاضی می گیره. قرار یکی از ویژگی های حکم را نداره. یا قاطع دعوا نیست. یعنی قاضی قرار صادر می کنه که کارشناس بیاد توی موضوع نظر بده. یا قرار جلب متهم را می ده. کار نداره طرف جرم انجام داده یا نه فعلا می گه بگیریدش بیاریدش تا بعد در مورد پرونده اش نظر بدیم. قرار با قاطع دعوا نیست یا در مورد ماهیت نیست. یعنی مربوط به حواشی پرونده است. مربوط به اصل پرونده نیست. مثلا خواهان کپی شناسنامه اش را نیاورده قرار رفع نقص صادر می شه. این قرار ربطی به اصل دعوا نداره. فعلا کپی شناسنامه ات را بیار تا بعد برسیم به اصل پرونده

پس اگه تو دادگاه شنیدید قاضی قرار صادر کرده هنوز حکم صادر نکرده. یعنی یا به اصل

موضوع نپرداخته یا پرونده هنوز از شعبه خارج نشده

۳۹-

شما به عنوان کارمند دفتری و متصدی دفتری یا ماشین نویس باید دستورات را تایپ کنید در سیستم ثبت کنید به طرفین ابلاغ کنید cms

۴۰-

ابلاغ یا حضوری است یا غیابی یا سیستمی

۴۱-

توی دادسرا کار ابلاغ را کلانتری یا پاسگاه انجام می ده

۴۲-

پاسگاه به جرایم ساده و کلانتری به جرایم پیچیده رسیدگی می کند

۴۳-

پاسگاه و کلانتری ضابط دادگاه اند. یعنی هرچی قاضی می گه باید انجام بدن و مثل چشم و گوش دادگاه اند یعنی هرچی بگن و بنویسن محکوم به صحته (یعنی درسته) مگه اینکه خلاصش ثابت

بشه

۴۴-

گزارش مرجع انتظامی یکی از ادله مهم به حساب می یاد. یعنی اگه جرمی اتفاق بیوفته کلانتری بیاد گزارش بنویسه اون قضیه ثابت می شه. دیگه طرف نمی تونه شاهد دروغ بیاره و پرونده را

ببندد

۴۵-

وظیفه ابلاغ توی دادگاه با واحد ابلاغ دادگستری است

مامور ابلاغ سوار موتورش می شه و ابلاغیه ها را می بره به آدرسی که روش نوشته یا آدرس شناسایی نمی سه یا کسی در اون آدرس نیست یا کسی هست ولی بچه است نمی شه بهش ابلاغ کرد یا بزرگه و بهش ابلاغ می کنن. خیلی کم پیش می یاد که ابلاغیه برسه دست خود طرف. قانون -آیین دادرسی مدنی قسمت ابلاغ را بخونید ۴۶-

«یه نرم افزار قانون موبایل داندود کنید خیلی به کارتون می یاد. بهترین نرم افزار الان «دستور است. که هم مجانیه هم خود قوه قضائیه طراحی کرده و آپدیتش می کنه

۴۷-

برای راحت شدن ابلاغ یه سامانه طراحی کردن). تعریف سامانه را بلد نیستم ولی یه جور سایتیه). هر کس می خواد تو دادگاه شکایت کنه باید تو سامانه ثنا ثبت نام کنه شما یه آدرس ایمیل می دید تا ابلاغیه تون به اون آدرس بره. تو سامانه هم می تونید ابلاغیه هاتون را ببینید

برای ثبت نام تو سامانه ثنا باید برید دفاتر خدمات قضایی. یکبار ثبت نام تو سامانه کافیه ولی دفاتر خدمات قضایی این موضوع را به مراجعه کننده ها نمی گن و فقط یه پرینت از ثبت نام بهشون می دن. شما می تونید از همون صفحه کپی بگیرید و بارها استفاده کنید. ولی دفاتر خدمات قضایی هر بار برای پرینت گرفتن از همین یک صفحه ازتون ده تومان می گیرن). از مردم ده تومان می (گیرن. شما که ارباب رجوع نیستید

• ۴۸-

وظیفه مامور ابلاغ ابلاغه. یعنی رسوندن برگه به دست مخاطب و دادن برگه و امضا گرفتن از اون. اگه سواد نداشته باشه ازش اثر انگشت می گیرند. مخاطب اون کسی است که اسمش تو برگه نوشته شده

۴۹-

ابلاغ تو شهرهای کوچیک خیلی

۵۰-

کسی که تو دادگاه شکایت می کنه اگه پرونده اش کیفری باشه بهش می گت شاکی اگه پرونده اش حقوقی باشه بهش می گن خواهان

۵۱-

کسی که ازش شکایت می کنن بهش می گن مشتکی عنه وقتی تفهیم اتهام بشه بهش می گن متهم اگه پرونده حقوقی باشه بهش می گن خواننده پس اگه تو دادگاه حقوقی کار می کنی با خواهان و خوانده سر و کار دارید اگه تو دادگاه کیفری یا دادسرا کار می کنی با شاکی و متهم سر و کار دارید

۵۲-

اجرای حکم یعنی اجرا کردن هر آنچه در حکم اومده قاضی حکم می ده یه زمانی برای اعتراض قانون مشخص کرده اون زمان که بگذره می گن حکم قطعی شده بتصدی حکم را تایپ می کنه و می ره برای مرحله اجرای حکم

۵۳-

اجرای احکام کیفری یه واحد جداست اجرای احکام حقوقی یه کارمنده که توی دفتر دادگاه حقوقی کار می کنه

شما مامور اجرای احکام حقوقی باشید یا کیفری فرقی نمی کنه باید حکم قاضی را اجرا کنید از اجرای حقوقی شروع می کنم قاضی حکم داده مبلغ هزار تومان به خواهان پرداخت بشه یا به عبارتی خوانده محکوم است به پرداخت مبلغ هزار تومان در حق خواهان اول به خواننده ابلاغیه می دی محکوم شدی بیا با زبون خوش حکم دادگاه را اجرا کن اگه نیومد به خواهان ابلاغ می کنی که بیاد اگه مال و اموالی از طرف سراغ داره معرفی کنه که مامور اجرا اون مال را توقیف کنه و بفروشه از طریق مزایده و پولش 2 را بده خواهان خواهان می تونه همون مال را هم به جای طلبش ورداره

اگه خواهان مالی از خواننده سراغ نداشت مامور اجرا نامه می زنه به سرپرست شعب بانک ها که اگه حسابی از این آدم با این شماره ملی سراغ دارید مسدودش کنید و اینقدر پول بردارید بریزید به حساب دادگستری خلاصه کار مامور اجرا نامه نگاریه بعد اگه مالی به دست اومد باید تشریفات مزایده را برگزار کنه مراحل مزایده در قانون اجرای احکام مدنی اومده اجرای حکم آخرین مرحله است طرف اومده شکایت کرده که به حقتش برسه مامور اجرا به دستور دادگاه حقتش را می گیره و بهش می ده

● ۵۴-

خوب برگردیم دوباره به مامور اجرا

کارمندان اجرای کیفری تو قسمت اجرائیات کار می کنن یه قاضی اجرای احکام بر کارشون نظارت می کنه

کارمند اجرای احکام حقوقی زیر نظر قاضی صادر کننده رای عمل می کنه ولی اجرای کیفری قاضی صادر کننده رای با قاضی اجرا کننده رای فرق می کنه

رای کیفری شامل زندانی کردن محکومیت مالی شلاق زدن قصاص کردن (قصاص عضو و

قصاص نفس- اعدان (و حتی حکم آزادی می ش
مثلا شما تشریف می بری زندان دست و پای زندانی را سربازها می بدن و شما رای قاضی و
اجرائیه را می خونی. پزشک قانونی اسید را می ریزه تو چشم محکوم. این یه مثال ساده برای
اجرای حکم قصاص عضو چشم با اسید است. البته گفتنش ساده است. شما این حکم را اجرا کردی
گرچه فقط اونجا حضور داشتی و چند تا برگه را خوندی. برای همین اجرا فقط مرد می خواستند
۵۵-

کارمندای اجرا احکام همیشه و بدون هیچ شرطی اضافه حقوق می گیرند. چون کارشون خیلی
سخته

اضافه حقوق یک بیستم الی یک دهم دریافتی است
۵۶-

حقوق دریافتی با حقوقی که تو حکم می زنن فرق می کنه. اگه سه میلیون تومان حکمتون باشه دو
میلیون تومان دریافتی تونه. بدون اینکه وام گرفته باشید. سر این قضیه بحث نکنید می رید سر کار
می فهمید

۵۷-

مالیات به صورت پلکانی حساب می شه. تو مالیه انواع مالیات پلکانی را خواندید. اینجا ظالمانه
ترین نوعه. شما یا کمتر از پنج میلیون حقوق می گیرید که معاف از مالیاتید یا بیشتر از پنج
درصد مالیات برداشته می شه. میزان مالیات x میلیون حقوق می گیرید که از کل حقوقتون
دقیق یادم نیست(سر این قضیه هم چونه نزنید چون قانون مجلسه و بودجه سالانه. می تونید برید
بودجه امسال را بخونید. من که خوندم چیزی نفهمیدم ولی این جوری اجرا می شه. بعضی چیزا
قانونه بعضی چیزا رویه است. تغییر قانون راحت تر از تغییر رویه است

۵۸-

کارمندای امور مالی بیشترین حقوق و بیشترین مزایا را دارند. برای جلوگیری از فساد مالی خیلی
بهشون می رسند. و مراجعه کنندگانشون هم فقط کارمندا و قاضی هان. خوش به حالشون

با تشکر از خانم رقیه که این فایل رو تهیه کردند